

اخگران درخشان، مبارزان بی نام در آرامستان «بی بی سکینه»

ناصر ناصری

مرداد ۱۳۹۲ در ۲۵ امین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی

در سالیان اخیر به یمن پیشرفت تکنولوژی ارتباطات و وجود اینترنت و شبکه های اجتماعی و خبرگزاریهای بین المللی سرعت انتقال و اشتراک گذاری اطلاعات و اخبار جهش چشمگیری داشته است. در کشورهای با رژیمهای دیکتاتوری، چون ایران که با سانسور شدید خبری روبرو هستیم، شاهدیم که با وجود موانع و مخفی کاریهای رژیم، بسیاری از خبرها به سرعت منتشر می شود. برای مثال فعالان مدافع حقوق بشر و بسیاری از خبرنگاران داخلی پس از دستگیری یک فعال سیاسی، مدنی و... خبر آن را در سایتهای مختلف درج کرده و به دنبال آن خبرنگارهای بین المللی خبر را مخابره می کنند و پس از مدتی کمپینهای گوناگون در حمایت از زندانیان و یا حمایت از لغو اعدام محکومان به مرگ تشکیل می شود. موثر بودن یا نبودن این گونه فعالیتها مورد بحث من نیست زیرا داستان در سالیان گذشته همیشه بر این منوال نبوده است. در سالهای خفقان ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۰ که ارتباطات محدود بوده و فعالیت در ماهواره ها و اینترنت بسیار محدود بود در حالی که رژیم ددمنش آخوندی دست به سرکوب گسترده تمامی مبارزان و فعالان سیاسی و مخالفان خود می زد، که نمونه مهم آن قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ است، افکار عمومی داخلی و جهانی به کندی از این گونه اخبار مطلع می شدند.

در سالهای بعد با افزایش امکانات از طریق تکنولوژی ارتباطی عمق فجایع انجام شده بیشتر نمایان شد و جهان به ماهیت ضد بشری حکومت مرتجع ایران بیش از پیش پی برد.



در این میان سرنوشت زنان و مردان مبارزی که نه در تهران و شهرهای بزرگ ایران که در شهرهای کوچک مبارزه می کردند، بسیار سخت تر بود.

در شرایطی که اعضای جنبشها و احزاب چپ، به ویژه نیروهای سازمان چریکهای فدایی خلق با مجادلات درونی و جنگهای تئوریک به جای اتحاد برای مبارزه با دشمن خلق درگیر بودند و حتی در یک مورد و در ماجرای

تاسف آور روستای گاپیلن در خاک عراث، رفیق به روی رفیق سلاح کشید و مردان خود شیفته و نیرنگ بازی چون فرخ نگهدار سازمان را از مسیر راستین خود که مبارزه بر ضد بیداد و تحت پوشش قراردادن مبارزان بود، خارج و گمراه می کردند و رفیقان دلسوز و باسابقه ی درخشان مبارزاتی به حاشیه رانده می شدند، جریان فدایی نتوانست در سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۷ اقدامی جدی در جذب و رهبری فعالان داخل کشور انجام دهد و پل ارتباطی بین مبارزان داخلی در شهرستانها با سازمان به کلی قطع و یا برقراری ارتباط بسیار مشکل شده بود.



مبارزان بسیاری در شهرستانها اقدام به تشکیل گروههای کوچک بدون پشتوانه مناسب آموزشی و تدارکاتی می کردند و تنها با شهامت و اعتقادات سوسیالیستی خود و با بهره گیری از کتب رفقای مبارز قبلی مانند فداییان کبیر حمید اشرف و بیژن جزنی و و با الگو برداری شخصی از مبارزات امریکای جنوبی اقدام به فعالیتهای جسته و گریخته در مناطق مختلف می نمودند که در بعضی موارد نیز منجر به مصادره اموال دولتی جهت تهیه سلاح می گردید. ولی به دلیل کافی نبودن آموزشها و خارج بودن از چتر حمایتی سازمان مادر، اندک زمانی پس از فعالیت علنی و غیر علنی توسط رژیم دستگیر و روانه زندان می شدند.

اغلب این مبارزان به دلیل شرایط حاکم بر روابط محدود شهرستانها و محدود بودن جغرافیا و حوزه ی مبارزاتی خود با احتمال دستگیری و ریسک بالا فعال بودند. این گروهها و اشخاص منفرد می توانستند با توجه بیشتر مبارزان با سابقه سازمان جذب بدنه مبارزاتی سازمان شده و به نیرویی عظیم تبدیل شوند و موج بزرگی در مبارزه تا سرنگونی رژیم برپاکنند. ولی چون پرندگان نوپروازی در دام کرکسهای رژیم آخوندی گرفتار می شدند و اغلب این زندانیان پس از بازجویی



ابتدایی در شهرستانها به زندان رجایی شهر انتقال یافته

و تحت وحشیانه ترین شکنجه ها و فشارهای بازجویان خون آشام رجایی شهر قرار می گرفتند و پس از تحمل دردناکترین شکنجه ها و سلولهای انفرادی با تنی رنجور در گمنامی حزن آوری توسط جلادان رژیم به جوخه های اعدام سپرده می شدند. بسیاری از این دلاوران و اخگران سرخ شبانه و بدور از چشم مردم با آمبولانس در حالی که در نایلونی پیچیده شده بودند در بیابانهای مشرف به زندان رجایی شهر در منطقه کمال آباد کرج و در دره ی انتهای آرامستان قدیمی «بی بی سکینه» بدون نام و نشان و تنها با نصب پلاکی فلزی به رنگ مشکی و شماره ای به رنگ آبی به خاک سپرده شدند که بعضی از این پلاکها در گذر زمان تاب تحمل باد و باران را نداشته و واژگون شده و یا بدست نیروهای بسیجی از جای کنده شده تا تنها امید شناسایی این قهرمانان گمنام نیز از بین رود.



آرامستان «بی بی سکینه»
عکس: ناصر ناصری، برای سایت ایران نبرد

بعضی از خانواده های اعدامیان و یا آنان که در ملاعام با جرمهای واهی توسط جلادان به دار اویخته شده بودند با مشکلات فراوان و با صرف هزینه های گزاف موفق به نصب سنگ یاد بود و شناسایی قبور عزیزانشان شدند که اینان نیز با نظارت شدید نیروهای امنیتی مستقر در گورستان قدیمی و در زمانهای محدود می توانند برای تخلیه بغض تکیده در گلوی خویش بر سر مزار عزیزان خود حاضر شوند که در این مواقع نیز شیرهای آب موجود در حاشیه جاده قطع می شود تا حتی قادر به آبیاری درختانی که خانواده ها کاشته اند نشوند. این حکومت جور و ستم حتی از جسم بی جان مبارزان گمنامی که حتی خانواده و نزدیکانشان از محل دفن آنها بی خبرند می ترسد.



آرامستان «بی بی سکینه»
عکس: ناصر ناصری، برای سایت ایران نبرد

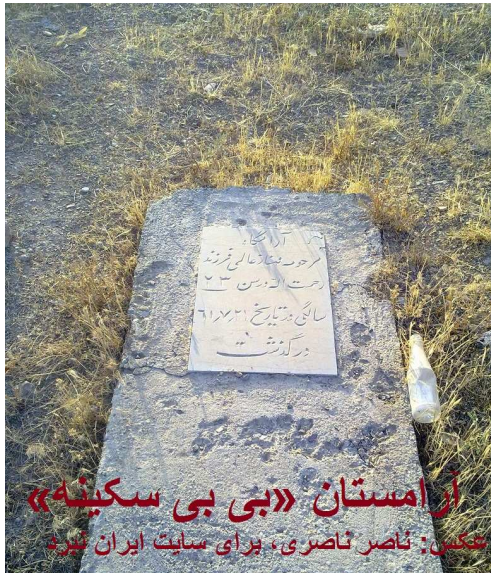
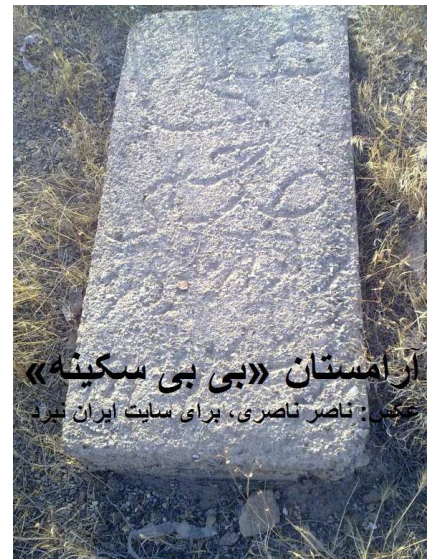
این گزارش در باره یکی از چند صد محل دفن زندانیان سیاسی که به صورت مخفیانه در سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۴ اعدام شدند است. این زندانیان توسط ماموران حکومت به دور از چشم مردم و خانواده های آنها در گورستانهای متروکه و تحت نظارت ماموران وزارت اطلاعات دفن شده اند.

در دامنه رشته کوههای البرز در نزدیکی زندان رجایی شهر کرج، در ضلع شمالی کمال آباد، آرامستان قدیمی به نام «بی بی سکینه» وجود دارد که در سالیان دور محل دفن اهالی روستاهای اطراف کردان کرج و کمال آباد بوده و پس از مدتی تحت نظر سازمان آرامستانهای شهر کرج در آمده و تعدادی از متوفیان کرج نیز

در انجا جای گرفته اند

این محل دارای ورودی مستقل از اتوبان کرج به قزوین است، اما در قسمتی از این منطقه درست در انتهای جنوب غربی آن در سرآشویی طبیعی که محل فوق را از دید مخفی نگه داشته، قبرهایی وجود دارد که تنها به پلاکی مشکی رنگ قابل شناسایی هستند و تعدادی نیز به دلایل مختلف روکشی سیمانی دارند.

اغلب این قبرها متعلق به کسانی است که به صورت مخفیانه در زندان قزل حصار و یا رجایی شهر و در سالیان ابتدای انقلاب در زندان کچویی کرج اعدام شدند و توسط ماموران دادستانی و اطلاعات کرج شبانه توسط آمبولانس به این محل انتقال داده شده و به خاک سپرده شدند.



زندانیان و مبارزانی از همه طیف در این مکان مدفون هستند ولی بیشتر آنها از فعالان شهرستانی و ناشناس و یا از فعالان کومله و دمکورات هستند که به صورت گروهی اعدام شده و در این منطقه دفن شده اند. طی سالهای ۱۳۶۷ الی ۱۳۷۲ تردد به این محل با ممانعت نیروهای رژیم مستقر در محال اصلی آرامستان روبرو می شد و خانواده هایی که با مشکلات فراوان و با پرداخت رشوه به ماموران زندان از محل دفن عزیزانشان اطلاع پیدا می کردند در روزهای خاص و با تدابیر شدید امنیتی و سوال و جواب ماموران می توانستند در مدت زمانی محدود بدون برگزاری مراسمی که جلب توجه کند بر سر مزار عزیزان خود حاضر شوند.

در این منطقه تنها یک شیر آب جهت شل کردن زمین برای حفر گور وجود دارد که در زمان مراجعه خانواده های اعدامیان شیر آب توسط نیروهای امنیتی قطع می شود.

بر اساس اطلاعات به دست آمده؛ قبرها چند ساعت قبل از انتقال بدن اعدامیان حفر می گردیده و بدن غرقه به خون آن مبارزان در نایلون پیچیده شده در داخل گور پرت می شده و در حداقل زمان ممکن با تلی از خاک پوشانده می شده است.





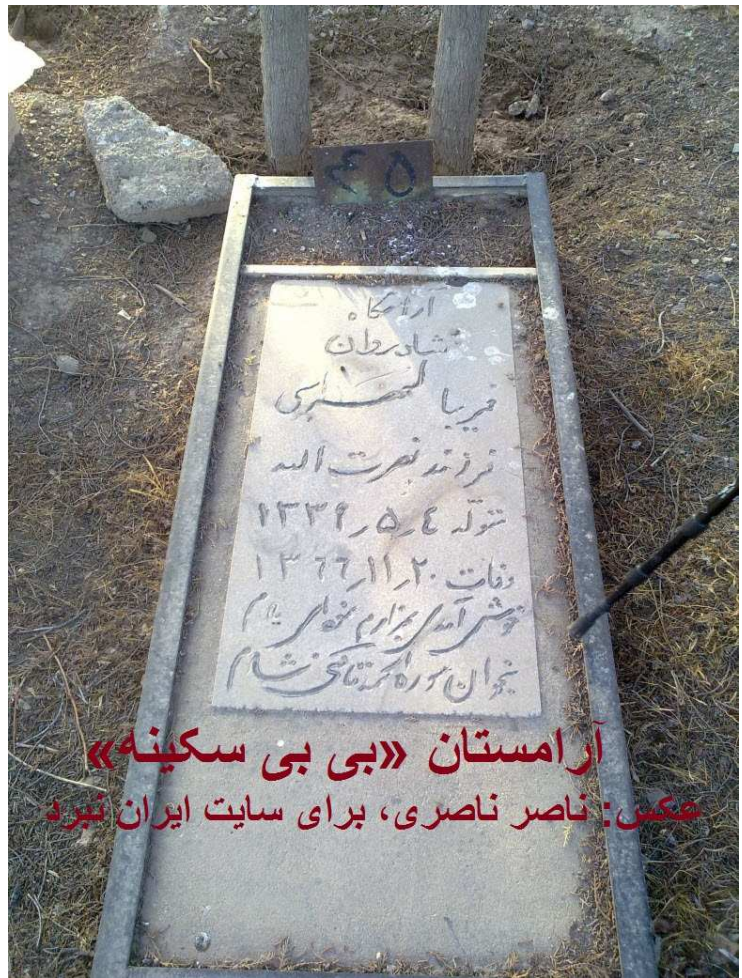
آرامستان «بی بی سکینه»
عکس: ناصر ناصری، برای سایت ایران نبرد

طی ملاقاتی که با خانواده یکی از اعدامیان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران داشتم مطلع شدم که این مبارز فدایی به همراه هفت تن از یارانش در یک روز در سال ۱۳۶۷ اعدام شده اند.

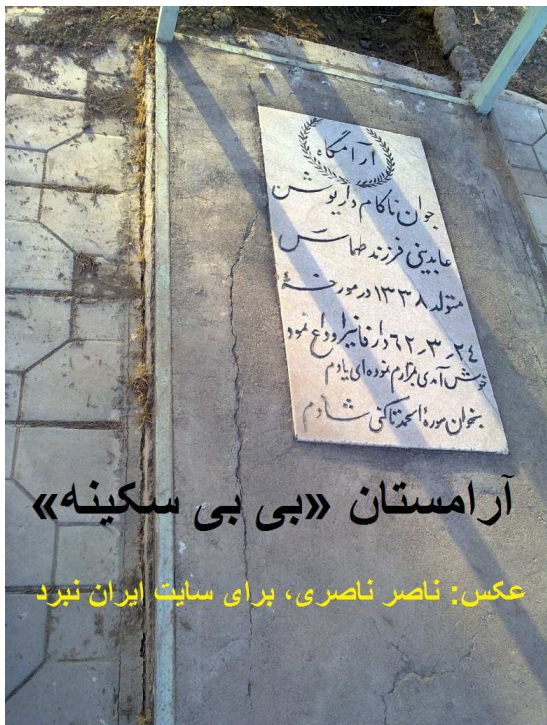
این خانواده عنوان می کردند؛ در سحرگاه یک روز تابستانی در سال ۱۳۶۹ که دور از چشم ماموران بر سر مزار شهیدان خود حاضر شده بودند مشاهده می کنند که یک امبولانس با سرعت در انتهای گورستان تعداد ۳ جنازه خونین را در یک گور جای داده و به سرعت محل را ترک می کند. همچنین در سال ۱۳۷۴



آرامستان «بی بی سکینه»
عکس: ناصر ناصری، برای سایت ایران نبرد



آرامستان «بی بی سکینه»
عکس: ناصر ناصری، برای سایت ایران نیبرد

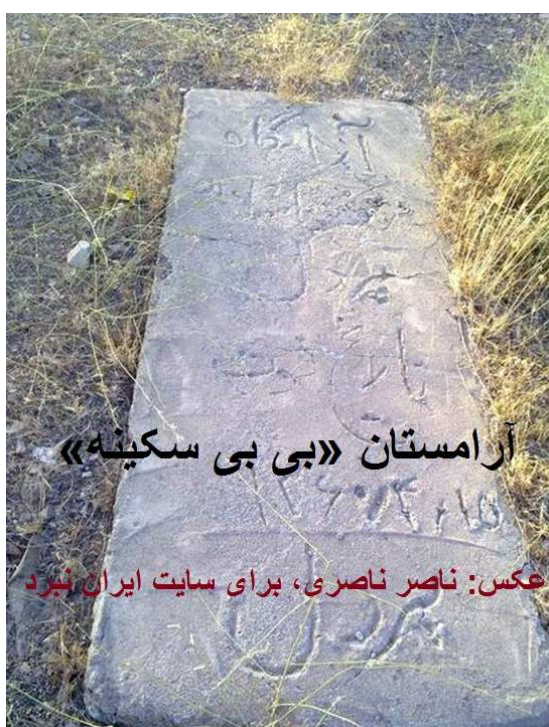


آرامستان «بی بی سکینه»
عکس: ناصر ناصری، برای سایت ایران نیبرد



آرامستان «بی بی سکینه»
عکس: ناصر ناصری، برای سایت ایران نیبرد

من خود به همراه تنی چند از رفقا در پشت یکی از تپه های این گورستان به یک گور دسته جمعی برخورد کردیم که حتی روی جسدها را به طور کامل نپوشانده بودند و پس از رویت ماموران ما مجبور به ترک محل شدیم و در مراجعت بعدی مشاهده کردیم که محل گور با لودر خاک برداری شده و مقداری زباله در آنجا به آتش کشیده شده است.



در سالیان اخیر با وسعت گرفتن گورستان اصلی و محدود بودن حرکت به سمت شمال به ناچار قبرهای مردم عادی به نزدیکی محل دفن اعدامیان نزدیک شده که پلاکهای باقی مانده از زندانیان سیاسی اعدام شده جلب توجه مراجعان را می کند و عوامل رژیم با نصب تابلوی مزار نوزادان در صدد انحراف ادعان عمومی بر آمده اند.

منبع: سایت ایران نبرد

عکس: ناصر ناصری

مرداد ۱۳۹۲ در ۲۵ امین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی